

## مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری و هویت‌یابی در دانشجویان با و بدون تجربه سندرم ضربه عشق The Comparison of Decision Making and Identification Styles in Students with and without Experience of Love Trauma Syndrome

**Dr. Esmail Soleimani\***

Associate Professore of psychology, Urmia University, Urmia, Iran.

[E.soleimani@urmia.ac.ir](mailto:E.soleimani@urmia.ac.ir)

**Katayoon Hosseini**

M.A of psychology, Urmia University, Urmia, Iran.

**Saba Esmailzadeh**

B.A student of psychology, Urmia University, Urmia, Iran.

دکتر اسماعیل سلیمانی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

کتایون حسینی

کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

صبا اسماعیل زاده

دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

### Abstract

The purpose of this study was to compare decision making and identification styles in students with and without the experience of love trauma syndrome at Urmia University. The research design was causal-comparative. The statistical population of the study consisted of all students with the experience of Love Trauma Syndrome who were referred to Urmia University Counseling Center during the first semester of the academic year 1389-99. The statistical sample of the study was 76 people that 38 of them were selected as the main group by convenience sampling method and 38 people were selected as the comparison group by the matching method. Rosse Love Trauma Inventory (1999), Bruce & Scott Decision Making Questionnaire (1995), and Brzonski Identity Style Inventory (1992) were used for data collection. Data were analyzed using multivariate analysis of variance. The results showed that there was a significant difference between students with and without love trauma syndrome in dimensions of decision making and identification styles. Based on the results we can conclude that love breakdown has a relationship with the impairment in the process of identification and the different styles of decision making and it requires psychological interventions and training.

**Keywords:** *Love Trauma, Decision Making, Identification*

### چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری و هویت‌یابی در دانشجویان با و بدون تجربه سندرم ضربه عشق بود. طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانشجویان دارای تجربه سندرم ضربه عشق بودند که در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ جهت دریافت راهنمایی‌های لازم به مرکز مشاوره دانشگاه ارومیه مراجعه کرده بودند. نمونه آماری پژوهش ۷۶ نفر بودند که ۳۸ نفر به عنوان گروه اصلی با روش نمونه‌گیری در دسترس و ۳۸ نفر نیز به عنوان گروه مقایسه با روش هم‌تاسازی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه ضربه عشق راس (۱۹۹۹)، پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری بروس و اسکات (۱۹۹۵) و پرسشنامه سبک هویت برزونسکی (۱۹۹۲) استفاده شد. اطلاعات به دست آمده با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره تحلیل شد. نتایج نشان داد بین دانشجویان با و بدون سندرم ضربه عشق در ابعاد متفاوت سبک‌های تصمیم‌گیری و سبک‌های هویت‌یابی تفاوت معناداری وجود داشت. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت ضربه شکست عاطفی با اختلال در فرآیند هویت‌یابی و سبک‌های تصمیم‌گیری رابطه دارد و مستلزم ارایه مداخلات و آموزش‌های روانشناختی است.

**واژه‌های کلیدی:** ضربه عشق، تصمیم‌گیری، هویت‌یابی.

ویرایش نهایی: آبان ۹۹

پذیرش: تیر ۹۹

دریافت: اردیبهشت ۹۹

نوع مقاله: پژوهشی

### مقدمه

اوایل دوره جوانی با تغییرات عمده در حیطه‌های مختلف زندگی مشخص می‌شود که از جمله این تغییرات می‌توان به احساس نیاز به صمیمیت با جنس مخالف و برقراری روابط عاشقانه اشاره کرد (سالواتور<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). عشق، احساس پیوند عمیق روحی نسبت به شخصی

<sup>۱</sup>. Salvatore

خاص است، که با ویژگی‌هایی چون علاقه، صمیمیت و تعهد تعریف می‌شود (پینکوس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). بر اساس هرم نیازهای مزلو<sup>۲</sup> (۱۹۴۳) نیاز به عشق در مرتبه سوم هرم و پس از نیازهای فیزیولوژیک و نیاز به امنیت قرار می‌گیرد که این خود نشان‌دهنده اهمیت این نیاز در زندگی انسان‌ها است (پینکوس، ۲۰۱۷). ورود به دانشگاه برای جوانان همراه با تجربه‌های جدید از جمله ارتباط با جنس مخالف است، تغییر موقعیت و دوری از خانواده موجب اولویت یافتن نیازهای عاطفی شده و بر احتمال درگیر شدن در روابط عاطفی می‌افزاید. به‌علاوه، در این دوره سنی، به‌تدریج یافتن شریک زندگی، به رویداد مهمی در زندگی تبدیل می‌شود و ممکن است پدیده عشق در فرد ظهور یابد (هاولی، ماهونی، پارگمنت و گوردون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵؛ مک کارتی و ماگان<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). با توجه به اهمیت چنین دلبستگی‌هایی، از دست دادن رابطه صمیمی ممکن است باعث تجربه اضطراب شدید به‌ویژه در جوانانی شود که روابط عاشقانه یکی از جنبه‌های اصلی در زندگی آن‌ها است (رودز، کمپ داش، استنلی و مارکمن<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱؛ راتو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). فروپاشی رابطه عاشقانه آنقدر قدرتمند است که اندوه و خشم قابل توجهی را به‌وجود می‌آورد و تمام شخصیت فرد را به کام خود می‌کشد (اسبارا<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). پایان رابطه عاشقانه رویدادی است که فرد را از نظر سلامت روانی در وضعیت نامطلوبی قرار می‌دهد و می‌تواند بر همه زمینه‌های اجتماعی، روانی، جسمانی و معنوی فرد تاثیر بگذارد (ناپفلا، کالاتی، کوروازیر، بورتون و پرینگ<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵).

گاهی فقدان معشوق برای شخص به‌قدری اضطراب‌زاست که منجر به بروز سندرمی به نام ضربه عشق می‌شود. راس<sup>۹</sup> (۱۹۹۹) برای اولین بار سندرم ضربه عشق<sup>۱۰</sup> را معرفی کرد. سندرم ضربه عشق شامل مجموعه نشانه‌ها و علائم شدیدی است که پس از مدتی بعد از انحلال رابطه عاشقانه ظاهر می‌شود. این مسئله باعث اختلال در عملکرد فرد در بسیاری از حوزه‌ها از جمله علمی، اجتماعی یا شغلی و سپس منجر به واکنش‌های ناسازگارانه می‌شود. رویداد ضربه عشق استرس را برمی‌انگیزد و در فرد احساس ناتوانی در کنترل و پیشگیری از رویدادها را ایجاد می‌کند (اشمیت و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹). سندرم ضربه عشق دارای چهار ویژگی کلیدی شامل برانگیختگی<sup>۱۲</sup>، اجتناب<sup>۱۳</sup>، یادآوری خودکار<sup>۱۴</sup> و بی‌تفاوتی هیجانی<sup>۱۵</sup> است (گیلبرت و سیفرس<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۱). برانگیختگی یک حالت روان‌شناختی است که طی آن فرد علائمی همچون اضطراب، نگرانی، دلواپسی و بی‌قراری را تجربه می‌نماید (شمر و سالفکس<sup>۱۷</sup>، ۲۰۲۰). اجتناب یک رفتار انطباقی است که مانع از مواجهه افراد با رویدادهای آزارنده می‌گردد؛ که دوری جستن از یادگاری‌ها و خاطرات فرد محبوب نیز یکی از مصادیق اجتناب محسوب می‌گردد (کولویل<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۷). یادآوری خودکار، دربرگیرنده افکار و خاطراتی است که می‌تواند به احساس‌ها و آشفته‌گی‌های ناخوشایندی منتهی گردد. بی‌تفاوتی هیجانی، به کاهش توانایی بعضی افراد در تجربه آتی احساس عشق پس از رخداد نشانگان ضربه عشق اطلاق می‌گردد (راس، ۱۹۹۹). با این حال وجود برخی از افرادی که پس از تجربه شکست عاطفی، اختلالات روانی یا جسمانی کمی را تجربه می‌کنند نشان می‌دهد تفاوت‌های فردی گسترده‌ای در واکنش به فروپاشی روابط عاشقانه وجود دارد (فیلد<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۱). تحقیقات صورت گرفته در این زمینه حکایت از آن دارند که عوامل متعددی در بروز سندرم ضربه عشق دخالت دارند (امان الهی، تردست و اصلانی، ۱۳۹۳؛ خراسانی و زنجانی، ۱۳۹۵)؛ که از جمله این عوامل می‌توان به تفاوت در سبک‌های تصمیم‌گیری افراد اشاره کرد.

1. Pinkus

2. Maslow

3. Hawley, Mahoney, Pargament & Gordon

4. McCarthy & Maughan

5. Rhoades, Kamp Dush, Atkins, Stanley & Markman

6. Ratto

7. Sbarra

8. Knöpfli, Cullati, Courvoisier, Burton & Perrig

9. Rosse

10. Love trauma syndrome

11. Schmitt

12. arousal

13. avoidance

14. automatic remembering

15. emotional anesthesia

16. Gilbert & Sifers

17. Schermer & Saklofske

18. Colwill

19. Field

تصمیم‌گیری<sup>۱</sup> فرایند انتخاب یک راهکار از میان دو یا چند گزینه موجود است که با به دست آمدن یک راه حل رضایت‌بخش به پایان می‌رسد (ماتا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). سبک تصمیم‌گیری افراد بیانگر الگوی عاداتی است که آن‌ها در هنگام تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌دهند (لیکین و دورویس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). به واسطه سبک‌های تصمیم‌گیری می‌توانیم درک کنیم که چرا افراد در مواجهه با یک موقعیت یکسان، تصمیم‌های متفاوتی می‌گیرند (اکبری و زارع، ۱۳۹۱). اسکات و بروس<sup>۴</sup> (۱۹۹۵)، با توجه به ویژگی‌های فردی و درونی افراد، به عنوان عوامل مهم در شکل‌گیری سبک تصمیم‌گیری، پنج سبک تصمیم‌گیری منطقی<sup>۵</sup>، شهودی<sup>۶</sup>، اجتنابی<sup>۷</sup>، آبی<sup>۸</sup> و وابسته<sup>۹</sup> را مطرح کرده‌اند. در تصمیم‌گیری منطقی فرد مشکل را می‌شناسد، از همه راه‌حل‌ها مطلع است و طی یک رویکرد فرایندی که نیاز به زمان دارد، بهترین راه حل را انتخاب می‌کند (گرونیگ و کوهن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳). تصمیم‌گیری بر اساس شهود فرایندی ناخودآگاه است که در سایه تجربه‌های استنتاج شده به دست می‌آید. در این شیوه تصمیم‌گیری فرد تصمیم‌گیرنده، منطقی‌تر و روشنی در رابطه با درست بودن تصمیم خود ندارد، بلکه با تکیه بر بینش و فراست درونی است و فرد آن چیزی را که فکر می‌کند درست است انجام می‌دهد (ماتزler، بایلوم و مرادیان<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۷). در تصمیم‌گیری اجتنابی تصمیمات به تعویق می‌افتند و فرد تمایلی به انجام آن‌ها ندارد (پارکر، بروئین و فیشوف<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۷). تصمیم‌گیری آبی بدون پشتوانه فکری کامل و در کمترین زمان ممکن انجام می‌گیرد (اسکات و بروس، ۱۹۹۵) و در نهایت سبک تصمیم‌گیری وابسته بیانگر نبود استقلال فکری و عملی تصمیم‌گیرنده و تکیه بر حمایت‌ها و راهنمایی‌های دیگران در هنگام تصمیم‌گیری است (ناظمی و صفاری‌نیا، ۱۳۹۴).

اُون، رودز و استانلی<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان داده‌اند افرادی که از سبک تصمیم‌گیری عقلانی برخوردارند تعلق خاطر بیشتری نسبت به شریک زندگی خود می‌کنند و احساس رضایت بیشتری از رابطه صمیمانه خود دارند. در پژوهشی دیگر، اُون (۲۰۱۱) نشان داده است که بین سبک تصمیم‌گیری منطقی و موفقیت در روابط صمیمانه رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. نتایج سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه نشان داده‌اند که بین سبک تصمیم‌گیری اجتنابی و شکست عاطفی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد (گیسلر و آل وود<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۸؛ ساری<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۸). همچنین مطالعات دیگر نشان داده‌اند که بین سبک تصمیم‌گیری آبی و تجارب شکست عاطفی و سندرم ضربه عشق رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد؛ زیرا در صورتی که فرد از سبک تصمیم‌گیری آبی برای انتخاب شریک عاطفی خود استفاده کند، احتمال عدم تطابق شخصی و ارزشی و متعاقب آن شکست رابطه و تجربه سندرم ضربه عشق نیز بیشتر می‌شود (بوچارد، لویسر و سابورین<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۹؛ کوردک<sup>۱۷</sup>، ۱۹۹۳؛ فاووز، مانتل و اولسون<sup>۱۸</sup>، ۱۹۹۶). محققان نشان داده‌اند که مهارت‌های حل مسئله و سبک‌های تصمیم‌گیری از متغیرهای موثر در کیفیت روابط صمیمانه به شمار می‌آیند (سلیمی، نجارپوریان، محمدی و مهرعلی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۵؛ مسیح آبادی، سعیدی راد، موسوی و وقاری، ۱۳۹۳؛ مراد ثمرین، ۱۳۹۲، جانسون و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۵). سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نیز همگی بر وجود رابطه معنی‌دار و مثبت بین مهارت تصمیم‌گیری و کیفیت روابط صمیمانه تاکید داشته‌اند (سلیمی، محسن زاده و نظری، ۱۳۹۳؛ جول، مک دونالد و پلاکس<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۴).

1. decision-making

2. Mata

3. Leykin &amp; DeRubeis

4. Scott &amp; Bruce

5. rational

6. intuitive

7. avoidant

8. spontaneous

9. dependent

10. Grunig &amp; Kuhn

11. Matzler, Bailom &amp; Mooradian

12. Parker, Bruine &amp; Fischhoff

13. Owen, Rhoades &amp; Stanley

14. Geisler &amp; Allwood

15. Sari

16. Bouchard, Lussier &amp; Sabourin

17. Kurdek

18. Fowers, Montel &amp; Olson

19. Johnson

20. Joel, MacDonald &amp; Plaks

نوجوانی و جوانی از بحرانی‌ترین، تنش‌زاترین و در عین حال حساس‌ترین دوره‌ها برای تکوین شخصیت بهنجار انسان است زیرا یکی از بحران‌های احتمالی این دوره بحران هویت<sup>۱</sup> است (کلیمسترا و وان دوزلار<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). هر چند رشد هویت فرایندی است که در طول عمر ادامه دارد ولی جستجو برای به دست آوردن هویت در دوران نوجوانی و جوانی بیشتر مطرح است (ماسن، کیگان، هوستون و کانجر، ۱۹۹۰؛ ترجمه مهشید یاسایی، ۱۳۹۴). اریکسون<sup>۳</sup> بر این باور است که شکل‌گیری و پذیرش هویت فردی، تکلیفی دشوار و اضطراب‌زاست. افرادی که به هویتی قوی دست می‌یابند، برای رویارویی با مسائل بزرگسالی، آماده می‌شوند و افرادی که نمی‌توانند به چنین هویتی دست یابند، بحران هویت را تجربه می‌کنند؛ چنین افرادی نمی‌دانند کیستند، به کجا تعلق دارند یا می‌خواهند به کجا بروند؛ در نتیجه ممکن است از مسیر بهنجار زندگی، تحصیل، شغل و ازدواج کناره‌گیری کنند (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳؛ ترجمه یحیی سید محمدی، ۱۳۹۷). از زمان طرح موضوع بحران هویت و نقش دوگانه آن در شکل‌گیری هویت مثبت و هویت سردرگم توسط اریکسون (۱۹۵۰؛ ۱۹۶۸) بیش از پنج دهه می‌گذرد. نظریه و اقدامات تجربی اریکسون توسط ماریسا<sup>۴</sup> (۱۹۶۶) پیگیری و دنبال شد. ماریسا با استفاده از یک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و توسعه یافته، چهار وضعیت را پیشنهاد کرده است که شامل دستیابی به هویت<sup>۵</sup>، هویت ناقص<sup>۶</sup>، تعلیق هویت‌یابی<sup>۷</sup> و پراکندگی هویت<sup>۸</sup> است (کوته<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹). جدیدترین نظریه در حوزه هویت نظریه سبک‌های هویت برزونسکی<sup>۱۰</sup> است که الگویی شناختی-اجتماعی دارد (برزونسکی، ۲۰۰۳). بر اساس دیدگاه برزونسکی افراد با توجه به چهار سبک پردازش اطلاعاتی<sup>۱۱</sup>، هنجاری<sup>۱۲</sup>، سردرگم/اجتنابی<sup>۱۳</sup> و متعهد<sup>۱۴</sup> نسبت به وقایع دنیای اطراف واکنش نشان می‌دهند. افراد دارای سبک اطلاعاتی همانند دانشمندان همواره در حال آزمون حقیقت هستند. در گروه هنجاری، افراد تمایل به همراهی با اکثریت و افراد مهم زندگی دارند. افراد دارای سبک سردرگم/اجتنابی از قاعده مشخصی پیروی نمی‌کنند و همواره از فکر راجع به این موضوع اجتناب می‌کنند زیرا از رنج روبه‌رو شدن با حقایق فراری هستند (برزونسکی، ۲۰۱۰). سبک هویت متعهد رفتار فرد را در موقعیت‌هایی که وسوسه می‌شود به شکل دیگری رفتار کند، ثابت می‌بخشد (برزونسکی، ۲۰۰۳).

مطالعاتی که در این زمینه انجام گرفته‌اند نشان داده‌اند که بین سبک هویت‌یابی<sup>۱۵</sup> مثبت و میزان صمیمیت در روابط عاطفی همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد (لاگلد، اسکاربیس و نیوکام<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۸؛ ماهر، وینستون و رانی<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۷؛ کرپلمن و همکاران<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۲؛ آرست، کروگر، مارتینوس و ماریسا<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۹؛ مارک استروم و کالمانیر<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۱). پژوهش گاریما<sup>۲۱</sup> (۲۰۱۲) نشان داد که سبک هویت‌یابی مثبت یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های صمیمیت در روابط عاطفی است. همچنین بین سبک هویت‌یابی مثبت و اجتناب از روابط صمیمانه رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. همچنین پیتمن، کاپلی، کرپلمن و ووگن<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۱) نیز نشان داده‌اند افرادی که از سبک هویتی سردرگم/اجتنابی برخوردارند نسبت به افرادی که سبک هویت هنجاری دارند، به میزان بیشتری از روابط صمیمانه دوری می‌جویند. وان کوپست، کارلسون، واندرلی، فریزن<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی نشان داده‌اند که افرادی که در وضعیت دستیابی به هویت قرار دارند بیشتر از افرادی که در سایر وضعیت‌های هویتی قرار دارند تمایل به برقراری روابط صمیمانه پایدار دارند. شکرالله‌زاده و مدنی (۱۳۹۵) نیز نشان

1. identity crisis
2. Klimstra & van Doeselaar
3. Erikson
4. Marcia
5. identity achievement
6. identity foreclosure
7. moratorium
8. identity diffusion
9. Côté
10. Berzonsky
11. informational
12. normative
13. diffuse-avoidant
14. committed
15. identification
16. Laughland, Skrbis & Newcombe
17. Maher, Winston & Rani
18. Kerpelman
19. Årseth, Kroger, Martinussen & Marcia
20. Markstrom & Kalmanir
21. Garima
22. Pittman, Keiley, Kerpelman & Vaughn
23. Wängqvist, Carlsson, van der Lee & Frisén

داده‌اند که رابطه میان مؤلفه هویت اطلاعاتی و رضایت زناشویی مثبت و معنی‌دار است و سبک هویتی اطلاعاتی می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند؛ به‌علاوه سبک هویتی پراکنده/اجتنابی می‌تواند به شکل منفی و معنی‌دار رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند. در نتیجه می‌توان گفت که انسجام هویتی زوجین در رضایت زناشویی آن‌ها مؤثر است. سایر مطالعات انجام شده نیز نشان داده‌اند که میزان رضامندی زناشویی در افرادی که از منزلت هویت‌یافتگی بالایی برخوردارند بیشتر است (زارعی‌نژاد، ۱۳۹۳؛ پارسونز، نالبون، کیلمر و وچلر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷).

دوران دانشجویی یکی از برهه‌های حساس زندگی است که افراد در این دوران درگیر روابط عاطفی می‌شوند. اگر افراد در این دوران از سبک تصمیم‌گیری و هویت‌یابی کارایی برخوردار نباشند می‌تواند رابطه و نتیجه رابطه را به یک چالش برای طرفین درگیر در رابطه تبدیل نماید. با توجه به این که دانشجویان نیروی انسانی بالقوه کشور برای اداره آینده جامعه هستند، نتیجه شکست در روابط و تجربه سندرم ضربه عشق می‌تواند مانع جدی پیشرفت این قشر فرهیخته شود. اما علی‌رغم اهمیت سندرم ضربه عشق در ابعاد فردی، تحصیلی و اجتماعی، هنوز این پدیده به طور جدی مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. لذا با توجه به خلاء پژوهشی موجود، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سوال اساسی است که آیا بین دو گروه دانشجویان با و بدون تجربه سندرم ضربه عشق از نظر متغیرهای سبک‌های تصمیم‌گیری و هویت‌یابی تفاوتی وجود دارد؟

## روش

روش تحقیق پژوهش حاضر با توجه به موضوع آن، توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود، که در این نوع تحقیق هدف، مطالعه احتمال یا امکان روابط معنی‌دار بین متغیرها با استفاده از مشاهده نتایج حاصله و بررسی دقیق داده‌ها برای یافتن متغیرهای علی درست و منطقی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانشجویان دارای تجربه سندرم ضربه عشق بودند که در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ جهت دریافت راهنمایی‌های لازم به مرکز مشاوره دانشگاه ارومیه مراجعه کرده بودند (N=۶۹). در روش علی-مقایسه‌ای زیرگروه‌ها حداقل باید ۱۵ نفر باشند (دلور، ۱۳۸۵)، اما بخاطر افزایش اعتبار بیرونی تحقیق و احتمال افت آزمودنی، ۳۸ نفر براساس روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. بدین ترتیب، نمونه آماری پژوهش حاضر ۷۶ نفر بودند. از این تعداد ۳۸ نفر به عنوان گروه اصلی با روش نمونه‌گیری در دسترس و ۳۸ نفر نیز به عنوان گروه مقایسه با روش هم‌تاسازی از لحاظ ویژگی‌هایی نظیر سن، جنس، مقطع تحصیلات، رشته تحصیلی و محل سکونت (خوابگاه یا منزل) انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری ملاک‌های شمول زیر مورد استفاده قرار گرفت: کسب نمره بالاتر از ۲۱ در مقیاس سندرم ضربه عشق؛ مجرد بودن؛ دانشجو بودن؛ رضایت برای شرکت در پژوهش و پاسخ به ابزارهای اندازه‌گیری. نهایتاً داده‌های ۷۶ دانشجو به کمک آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و در سطح معناداری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شدند.

## ابزار سنجش

**پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی<sup>۲</sup>:** این پرسشنامه محقق‌ساخته شامل اطلاعات دموگرافیک، نظیر سن، جنس، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، معدل سال/ترم قبل، مدت زمان حضور در خوابگاه، مدت زمان آشنایی و شکست رابطه است.

**پرسشنامه سندرم ضربه عشق (LTI)<sup>۳</sup>:** این مقیاس توسط راس (۱۹۹۹) تهیه شده و متشکل از ۱۰ سوال چهارگزینه‌ای است که میزان آشفتگی جسمی، هیجانی، شناختی و رفتاری را مشخص می‌کند. در نمره‌گذاری، گزینه‌های هر سؤال، به ترتیب نمره ۳ تا ۰ می‌گیرند، فقط سؤال‌های ۱ و ۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. بعد از امتیازدهی، جمع نمره‌ها به عنوان وضعیتی از نشانگان ضربه در نظر گرفته می‌شود. در پژوهش دهقانی (۱۳۸۹) پس از ترجمه این مقیاس و هنجاریابی آن ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۹ و ضریب پایایی بازآزمایی برابر با ۰/۸۱ به دست آمد. در پژوهش اکبری، خانجانی، پورشریفی، محمد علیلو و عظیمی (۱۳۹۱) ضریب آلفای پرسشنامه ۰/۸۱ و ضریب اعتبار آن با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۸۳/۰ به دست آمد. در پژوهش تردست (۱۳۹۳) برای بررسی روایی، همبستگی ضربه عشق با پرسشنامه افسردگی بک (۱۹۶۱) برابر با ۰/۶۴ و با بخش صفت پرسشنامه اضطراب صفت-حالت اسپیل برگر (۱۹۷۰) برابر با ۰/۶۱ و همچنین آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۷۸ به دست آمد. همچنین در پژوهش حاضر نیز، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

1. Parsons, Nalbone, Killmer & Wetchler

2. Demographic Information Questionnaire

3. Love Trauma Inventory

**پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری (DMS):**<sup>۱</sup> این پرسشنامه در سال ۱۹۹۵ توسط اسکات و بروس طراحی و اعتباریابی شد و با روش تحلیل عاملی پنج سبک تصمیم‌گیری از آن استخراج شد. این پرسشنامه دارای ۲۵ سوال است و هر سبک دارای ۵ سوال است. سوالات شماره ۶، ۱۴، ۱۹، ۲۱ و ۲۳ سبک اجتنابی، سوالات شماره ۱، ۳، ۱۲، ۱۶ و ۱۷ سبک شهودی، سوالات شماره ۴، ۷، ۱۱، ۱۳ و ۲۵ سبک منطقی، سوالات شماره ۲، ۵، ۱۰، ۱۸ و ۲۲ سبک وابسته و سوالات شماره ۸، ۹، ۱۵، ۲۰ و ۲۴ سبک آبی را تبیین می‌کند (اسکات و بروس، ۱۹۹۵). سوالات در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» درجه‌بندی می‌شوند و به ترتیب نمره ۱ تا ۵ به هر کدام تعلق می‌گیرد. بنابراین حداقل نمره کسب‌شده ۲۵ و حداکثر آن ۱۲۵ خواهد بود. روایی و پایایی این پرسشنامه در دانشجویان ایرانی توسط زارع و اعراب شیبانی (۱۳۹۰) مورد بررسی قرار گرفته است که در نتیجه آن پایایی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ و با استفاده از آزمون مجدد ۰/۶۸ محاسبه گردید. روایی محتوایی آن نیز مورد تایید کارشناسان روان‌شناسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر نیز میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد.

**پرسشنامه سبک هویت (ISI):**<sup>۲</sup> برای سنجش سبک‌های هویت از پرسشنامه برزونسکی (۱۹۹۲) استفاده شد که دارای ۴۰ سؤال و ۴ خرده‌مقیاس سبک هویت اطلاعاتی (۱۱ سؤال)، سبک هویت هنجاری (۹ سؤال)، سبک هویت سردرگم/اجتنابی (۱۰ سؤال) و سبک هویت متعهد (۱۰ سؤال) است و مقیاس پاسخ‌گویی پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم ۱ تا کاملاً موافقم ۵) دارد. برزونسکی (۱۹۹۳) ضریب اعتبار هریک از خرده‌مقیاس‌های سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و متعهد را به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۶، ۰/۷۳ و ۰/۶۳ گزارش کرده است. وایت، وامپلر و وین<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) برای نسخه‌ی تجدیدنظرشده پرسشنامه سبک هویت، آلفای کرونباخ ۰/۵۹ و ۰/۶۴ و ۰/۷۸ را برای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری و سردرگم/اجتنابی و آلفای ۰/۷۶ را برای تعهد هویت به دست آوردند. برای بررسی اعتبار این پرسشنامه وایت و همکاران (۱۹۹۸) پس از تحلیل عاملی ضرایب همبستگی این عوامل را به ترتیب برای سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و متعهد ۰/۷۹، ۰/۸۱، ۰/۸۴ و ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. غضنفری (۱۳۸۳) پس از ترجمه این مقیاس به منظور ارزیابی و سنجش همسانی درونی پرسشنامه سبک هویت به محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بر روی داده‌های نمونه اصلی (۱۸۳۲) پرداخت. ملاحظه شد که ضرایب به دست آمده با ضرایب محاسبه‌شده توسط برزونسکی (۱۹۹۷) و وایت و همکاران (۱۹۹۸) بسیار نزدیک است. همچنین آقاجانی، فرزاد و مهرآرای (۱۳۸۳) با بهره‌گیری از آلفای کرونباخ پایایی سبک هویت اطلاعاتی را ۰/۷۳، سبک هویت هنجاری ۰/۷۰ و سردرگم/اجتنابی ۰/۶۹ و تعهد ۰/۶۸ برآورد کردند. همچنین در پژوهش حاضر نیز، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد.

## یافته‌ها

نتایج نشان داد میانگین و انحراف استاندارد سنی شرکت‌کنندگان در مطالعه حاضر ۲۱/۶۷ (۲/۸۷) بوده و ۶۷ درصد دانشجویان دختر و ۳۳ درصد نمونه مورد مطالعه پسر بودند. جدول شماره ۱ میانگین و انحراف استاندارد خرده مقیاس‌های متغیرهای سبک‌های تصمیم‌گیری و سبک‌های هویت را در شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد. در کل میانگین شرکت‌کنندگان گروه سندرم ضربه عشق با گروه مقایسه متفاوت بوده که میزان معناداری این تفاوت‌ها در ادامه مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد شرکت‌کنندگان در متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	مولفه‌ها	سندرم ضربه عشق		گروه مقایسه	
		انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین
سبک تصمیم اجتنابی	۱۹/۳۳	۳/۱۲	۱۶/۷۱	۵/۱۵	انحراف استاندارد
سبک تصمیم شهودی	۱۷/۵۶	۴/۴۷	۱۴/۰۲	۳/۳۴	
سبک تصمیم منطقی	۱۴/۹۷	۵/۰۳	۱۹/۳۴	۴/۶۵	

1. Decision Making Scale

2. Identity Style Inventory

3. White, Wampler & Winn

سبک‌های تصمیم‌گیری	سبک تصمیم وابسته	۲۰/۰۱	۲/۹۸	۱۷/۶۳	۳/۱۹
	سبک تصمیم آنی	۱۹/۱۱	۳/۶۴	۱۶/۱۹	۳/۲۹
	سبک هویت اطلاعاتی	۳۲/۵۱	۵/۵۲	۳۹/۵۷	۴/۵۴
سبک‌های هویت	سبک هویت هنجاری	۳۲/۲۵	۴/۴۲	۲۷/۶۵	۴/۲۴
	سبک هویت اجتنابی	۳۸/۶۵	۳/۳۵	۲۹/۴۵	۳/۴۲
	سبک هویت متعهد	۳۰/۰۱	۴/۱۴	۳۷/۸۵	۴/۱۴

به منظور آزمون متغیرهای وابسته و مقایسه دو گروه شرکت‌کنندگان گروه با و بدون سندرم ضربه عشق از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. با توجه به اینکه دو متغیر مورد مطالعه حاضر متشکل از ۹ خرده‌مقیاس بوده و به عبارتی ۹ متغیر وابسته وجود دارد و با توجه به اینکه مقایسه دو گروه مدنظر است، از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. قبل از استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره جهت رعایت پیش‌فرض‌های این آزمون، آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنف، آزمون لوین و باکس اجرا شد. نتایج نشان داد آماره Z کولموگروف-اسمیرنف برای خرده‌مقیاس‌های مورد مطالعه در سطح  $(P \geq 0/05)$  معنی‌دار نیست، بنابراین شرط نرمال بودن توزیع متغیرها رعایت شده است. همچنین نتایج آزمون لوین و باکس نشان داد سطح آماره (F) برای خرده‌مقیاس‌های مورد مطالعه معنادار نیست  $(P \geq 0/05)$  و این نشان‌دهنده آن است که واریانس خطای این متغیرها در بین آزمودنی‌ها (با و بدون سندرم ضربه عشق) متفاوت نیست و واریانس‌ها با هم برابرند. همچنین برای بررسی فرض همگنی کواریانس‌ها از آزمون باکس استفاده شد و نتایج نشان داد که مقدار باکس معنی‌دار نیست  $(P = 0/384)$  و  $F = 0/981$  و  $BOX = 53/25$  و در نتیجه پیش‌فرض تفاوت بین کوواریانس‌ها برقرار است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که سطوح معناداری همه آزمون‌ها قابلیت استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری را مجاز می‌شمارد. این نتایج نشان می‌دهد که در بین دو گروه (دانشجویان با و بدون سندرم ضربه عشق) حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۲- نتایج شاخص‌های اعتباری آزمون معناداری تحلیل واریانس چند متغیری بر روی متغیرهای مورد مطالعه

منبع	نام آزمون	مقدار	F	فرضیه df	خطا df	P	Eta
	اثر پیلایی	۰/۴۰۱	۶/۱۸	۹/۰۰	۶۴/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۴۰۱
گروه	لامبدا ویلکز	۰/۲۶۴	۶/۱۸	۹/۰۰	۶۴/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۴۰۱
	اثر هتلینگ	۰/۵۲۲	۶/۱۸	۹/۰۰	۶۴/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۴۰۱
	بزرگترین ریشه خطا	۰/۵۲۲	۶/۱۸	۹/۰۰	۶۴/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۴۰۱

در جدول ۳ نتایج مربوط به تحلیل واریانس چندمتغیری ارائه شده است. همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می‌گردد بین دانشجویان با و بدون سندرم ضربه عشق در ابعاد متفاوت سبک‌های تصمیم‌گیری و سبک‌های هویت تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر میانگین دانشجویان دارای تجربه سندرم ضربه عشق در ابعاد سبک‌های تصمیم‌گیری (اجتنابی، شهودی، وابسته و آنی) به جز سبک تصمیم‌گیری منطقی به طور معناداری بالاتر از دانشجویان بدون سندرم ضربه عشق است. بدین معنی که دانشجویان دارای تجربه سندرم ضربه عشق در بعد سبک تصمیم‌گیری منطقی به طور معناداری نسبت به دانشجویان بدون سندرم ضربه عشق میانگین پایین‌تری بدست آوردند. همچنین نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد بین دانشجویان با و بدون تجربه سندرم ضربه عشق در سبک‌های هویت تفاوت معناداری وجود دارد. بطوریکه میانگین دانشجویان دارای تجربه سندرم ضربه عشق در مولفه‌های سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت متعهد کمتر از دانشجویان بدون تجربه سندرم ضربه عشق بوده و در مقابل در سبک هویت هنجاری و سبک هویت اجتنابی (سردرگم/پراکنده) میانگین دانشجویان دارای تجربه سندرم ضربه عشق به طور معناداری بیشتر است.

جدول ۳- نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) بر روی متغیرهای مورد مطالعه

منبع	متغیر وابسته	SS	df	MS	F	P	Eta
	سبک تصمیم اجتنابی	۱۵۱/۲۸	۱	۱۵۱/۲۸	۱۷/۶۷	۰/۰۰۰۱	۰/۱۹۵
	سبک تصمیم شهودی	۱۴۸/۶۷	۱	۱۴۸/۶۷	۱۷/۰۶	۰/۰۰۰۱	۰/۱۸۹
	سبک تصمیم منطقی	۱۶۹/۳۳	۱	۱۶۹/۳۳	۲۲/۶۷	۰/۰۰۰۱	۰/۲۶۷
	سبک تصمیم وابسته	۱۴۰/۳۳	۱	۱۴۰/۳۳	۱۶/۸۷	۰/۰۰۰۱	۰/۱۵۹
گروه	سبک تصمیم آنی	۱۵۸/۹۷	۱	۱۵۸/۹۷	۱۸/۴۹	۰/۰۰۰۱	۰/۲۱۳
	سبک هویت اطلاعاتی	۱۰۹/۳۴	۱	۱۰۹/۳۴	۱۰/۶۳	۰/۰۰۰۱	۰/۱۴۶
	سبک هویت هنجاری	۹۹/۶۷	۱	۹۹/۶۷	۱۲/۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۱۹۱
	سبک هویت اجتنابی	۱۲۸/۲۴	۱	۱۲۸/۲۴	۹/۸۷	۰/۰۰۰۱	۰/۱۳۱
	سبک هویت متعهد	۱۱۱/۸۷	۱	۱۱۱/۸۷	۱۱/۱۲	۰/۰۰۰۱	۰/۱۸۸

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری و هویت‌یابی در دانشجویان با و بدون تجربه سندرم ضربه عشق بود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بین دانشجویان با و بدون تجربه سندرم ضربه عشق در ابعاد مختلف سبک‌های تصمیم‌گیری (عقلانی، شهودی، اجتنابی، آنی و وابسته) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که سبک تصمیم‌گیری در دانشجویان با تجربه سندرم ضربه عشق بیشتر به صورت شهودی، اجتنابی، آنی و وابسته است و در دانشجویان بدون تجربه سندرم ضربه عشق بیشتر به صورت عقلانی است. نتایج این پژوهش در راستای نتایج گیسلر و آل وود (۲۰۱۸)، اُون و همکاران (۲۰۱۴)، سلیمی و همکاران (۱۳۹۵)، اُون (۲۰۱۱)، سلیمی و همکاران (۱۳۹۳) و مراد ثمرین (۱۳۹۲) است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت افرادی که از سبک‌های تصمیم‌گیری شهودی، اجتنابی، آنی و وابسته برای انتخاب شریک عشقی خود بهره می‌گیرند به احتمال بیشتری در انتخاب خود اشتباه کرده و فردی ناسازگار با شخصیت و ارزش‌های خود را بر می‌گزینند و در نتیجه این افراد به احتمال بیشتری شکست عاطفی و سندرم ضربه عشق را تجربه می‌کنند (فاورز، مانتل و اولسون، ۱۹۹۶). افراد دارای سبک تصمیم‌گیری اجتنابی، تمایل دارند که تصمیم‌گیری را تا جایی که ممکن است به تاخیر بیندازند تا از پیامدهای ناگوار احتمالی که در نتیجه تصمیم‌گیری آنان رخ می‌دهد، دور بمانند. آن‌ها تمایلی به انتخاب یک راه‌حل از میان گزینه‌های موجود ندارند؛ بنابراین احتمال زیادی وجود دارد که از عهده حل مشکلات روابط خود برنایند و در این راه شکست بخورند (وود<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). سبک تصمیم‌گیری شهودی اغلب در حالتی از احساس تجربه می‌شود که با تلاش، آگاهی یا دانش اندکی همراه است. نتایج این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها با قطعیت و اطمینان همراه نیست. تکیه بر فرایند تصمیم‌گیری شهودی می‌تواند به انتخاب‌های خوبی منجر شود؛ اما همچنین می‌تواند موجب سوگیری نیز گردد (گلاکتر و ویتمن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰؛ ماتا و آلمیدا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). بدین صورت که در شرایط و موقعیت‌های ساده، احتمال بیشتری وجودی دارد که فرد به وسیله تصمیم‌گیری شهودی انتخاب درستی داشته باشد؛ اما احتمال انتخاب گزینه اشتباه در تکالیف و موقعیت‌های دشوار و پیچیده بالا می‌رود (جکل، گلکنر، فیدلر و برودر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). افرادی که سبک تصمیم‌گیری شهودی، سبک غالب تصمیم‌گیری آنان است کمتر از پاسخ‌ها و گزینه‌های جایگزین مطلع هستند و تصور می‌کنند که افراد دیگر هم مانند آنان فکر می‌کنند؛ بنابراین به سرنخ‌ها و نشانه‌هایی که نشانگر تعارض در تفکر و تصمیم‌گیری آنان است، کمتر توجه می‌کنند؛ و همین موضوع احتمال بروز شکست در روابط میان‌فردی آنان را افزایش می‌دهد (ماتا و آلمیدا، ۲۰۱۴). افرادی که سبک تصمیم‌گیری آنی، سبک غالب تصمیم‌گیری آنان است تمایل دارند بدون تفکر قبلی به تصمیم‌گیری سریع بپردازند بنابراین بیشتر از سایر افراد در روابط میان‌فردی ناکام می‌گردند. همچنین افرادی که از سبک تصمیم‌گیری وابسته برخوردارند ممکن است تحت تاثیر مشورت با دوستان و همسالان خود قرار گرفته و دست به تصمیم‌هایی خام و ناپخته بزنند که نتیجه‌ای جز شکست در پی نخواهند داشت.

1. Wood

2. Glöckner & Witteman

3. Mata & Almeida

4. Jekel, Glöckner, Fiedler & Bröder



همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین دانشجویان با و بدون تجربه سندرم ضربه عشق از لحاظ سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و متعهد)، تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد. به طوری که سبک هویت دانشجویان دارای تجربه سندرم ضربه عشق بیشتر از نوع سردرگم/اجتنابی و هنجاری است و سبک هویت‌یابی دانشجویان فاقد تجربه سندرم ضربه عشق بیشتر از نوع اطلاعاتی و متعهد است. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های لاگلد و همکاران (۲۰۱۸)، ماهر و همکاران (۲۰۱۷)، وانکوئیست و همکاران (۲۰۱۶)، شکرالله‌زاده و مدنی (۱۳۹۵)، آرس و همکاران (۲۰۰۹) و مارک استروم و کالمانیر (۲۰۰۱) مطابقت دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت زمانی فرد به تعهد هویتی می‌رسد که تصمیمات قاطعی در زمینه‌های مختلف زندگی خود مانند شغل، ازدواج، پایبندی به دیدگاه‌های سیاسی یا عقیدتی خاص اتخاذ کرده و راهبردهای خاصی را برای رسیدن به اهداف شخصی و تعیین مسیر زندگی در نظر گرفته باشد. به این دلیل داشتن تعهد می‌تواند به فرد کمک کند تا بین نیازهای شخصی و خواسته‌های اجتماعی تعادل برقرار کند و به شکل بسنده‌ای با محیط و شرایط سازگار شود (باباخانی، اسدی نیازی، علیزاده ذکریا و بختیاری، ۱۳۹۵). بدین ترتیب هرچه افراد دارای هویت کاراتری باشند، میزان صمیمیت، تعهد و وفای به عهد آنان در روابط عاطفی بالاتر است و در نتیجه احتمال مواجهه آنان با تجارب شکست عاطفی و سندرم ضربه عشقی کمتر می‌شود (کریمیان، حیدری و سالاری، ۱۳۹۲). همچنین در تبیین معنی‌دار بودن رابطه میان سبک‌های هویت و بروز سندرم ضربه عشق می‌توان گفت که افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی در برخورد با وقایع استرس‌زای زندگی، از راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار استفاده می‌کنند و با توجه به کارآمدی این راهبرد مقابله‌ای در کنترل استرس، هیجانات مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و به خوبی از عهده تنظیم هیجانات خویش برمی‌آیند. افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، روابط پایدار و عقلانی در زندگی برقرار می‌کنند، دارای باورهای مشخص و هدف معین در زندگی هستند، کمتر در روابط اجتماعی دچار بی‌ثباتی می‌شوند و بیشتر احساس راحتی می‌کنند، بنابراین نسبت به افراد دارای دیگر سبک‌های هویت کمتر دچار سندرم ضربه عشق می‌شوند. افراد با سبک هویت پراکنده قادر به برقراری روابط قابل اعتماد با جامعه نیستند، باورها و اهداف مشخصی ندارند، در زندگی و در موقعیت‌های تنش‌زا و تعارض برانگیز، قادر به حفظ تعادل روحی خود نیستند و دچار آشفتگی و اضطراب می‌شوند، و این عوامل موجب می‌شود بیشتر دچار شکست عشقی و سندرم ضربه عشق شوند (لاوسک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

به طور کلی بر اساس یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد که دانشجویان دارای تجربه سندرم ضربه عشق در مقایسه با دانشجویان فاقد تجربه سندرم ضربه عشق از نظر سبک‌های تصمیم‌گیری و هویت‌یابی تفاوت آماری معنی‌داری دارند. و دانشجویان دارای تجارب سندرم ضربه عشق بیشتر دارای سبک‌های تصمیم‌گیری شهودی، اجتنابی، آنی و وابسته و سبک هویت سردرگم/اجتنابی و هنجاری هستند. محدودیت‌های این پژوهش شامل پایین بودن روایی بیرونی و تعمیم‌پذیری نتایج به دلیل نمونه‌گیری در دسترس و صرف مطالعه در دانشجویان ارومیه بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود که جهت افزایش تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج بدست آمده، از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده و بر روی سایر دانشجویان دانشگاه‌ها این موضوع تکرار شود. همچنین با توجه به نتایج حاصله در راستای رابطه معنادار بین سبک‌های تصمیم‌گیری و هویت‌یابی با سندرم ضربه عشق به روانشناسان و متخصصان حوزه سلامت پیشنهاد می‌گردد که افراد در معرض خطر را با سبک‌های تصمیم‌گیری و هویت‌یابی سازگارانه آشنا نموده و آموزش‌هایی در این زمینه برای آنان فراهم کنندریال تا بدین وسیله بتوان این افراد را در پیشگیری و کاستن از میزان بروز سندرم ضربه عشق یاری کرد.

## منابع

- آقاجانی، م.، فرزاد، و.، و شهرآرای، م. (۱۳۸۳). مطالعه ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سبک هویت. *طب و تزکیه*، ۱۳(۲)، ۹-۱۹.
- اکبری، ا.، خانجانی، ز.، پورشریفی، ح.، محمد علیلو، م.، و عظیمی، ز. (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی درمان تحلیل رفتار متقابل با درمان شناختی- رفتاری در بهبود علائم مرضی شکست عاطفی دانشجویان. *مجله روان‌شناسی بالینی*، ۴(۳)، ۹۸-۱۰۱.
- اکبری، م.، و زارع، ح. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رفتارهای مخاطره‌آمیز در نوجوانان و ارتباط آن با هیجان طلبی و سبک‌های تصمیم‌گیری. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۶(۱)، ۶۵-۵۷.
- امان‌الهی، ع.، تردست، ک.، و اصلانی، خ. (۱۳۹۳). پیش‌بینی نشانگان ضربه عشق بر اساس خود شفقتی در دانشجویان دختر دارای تجربه شکست عاطفی. *روان‌شناسی کاربردی*، ۴(۳۲)، ۴۳-۶۱.

1. Levesque

مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری و هویت‌یابی در دانشجویان با و بدون تجربه سندرم ضربه عشق  
 The Comparison of Decision Making and Identification Styles in Students with and without Experience ...

- باباخانی، ن.، اسدی نیازی، ش.، عزیزاده ذکریا، ر.، و بختیاری، ح. (۱۳۹۵). رابطه‌ی سبک‌های هویتی با رضایت زناشویی در زوج‌های متاهل شهر تهران. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۸، ۴۷۱-۴۷۷.
- تردست، ک. (۱۳۹۳). پیش‌بینی نشانگان ضربه عشق براساس خودشفقتی، سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی در دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه چمران اهواز.
- خراسانی، ف.، و شعبانی، ز. (۱۳۹۵). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه، راهبرد‌های مقابله‌ای و بلوغ عاطفی در دانشجویان با نشانگان آسیب عاطفی و بدون نشانگان آسیب عاطفی. *سلامت اجتماعی*، ۲(۴)، ۱۴۶-۱۳۷.
- دلاور، ع. (۱۳۸۵). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.
- دهقانی، م. (۱۳۸۹). کارایی روان‌درمانی کوتاه‌مدت تنظیم‌کننده اضطراب در بهبود نشانگان ضربه عشق. پایان‌نامه دکتری روانشناسی بالینی. انستیتو روان پزشکی تهران. دانشگاه علوم پزشکی تهران
- زارع، ح.، و اعراب شیبانی، خ. (۱۳۹۰). بررسی روانی و پایایی پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری در دانشجویان ایرانی. *مجله پژوهش‌های روانشناختی*، ۲(۱۴)، ۱۱۲-۱۲۵.
- زارعی نژاد، ز. (۱۳۹۲). مقایسه منزلت‌های هویتی و رضامندی زناشویی بین متأهلین شاهد و غیرشاهد دانشجو در سطح شهرستان کرج. *پژوهشنامه زنان*، ۴(۱)، ۸۱-۶۱.
- سلیمی، ه.، محسن زاده، ف.، و محمد نظری، ع. (۱۳۹۴). پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس انسجام خانوادگی، مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسأله و مهارت‌های مقابله. *فصلنامه نسیم تندرستی*، ۳(۱)، ۶۳-۵۷.
- سلیمی، ه.، نجارپوریان، س.، محمدی، ک.، و مهرعلی تبار فیروز جانی، ع. (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس تصمیم‌گیری و حل مسأله، انسجام خانواده، راهبرد‌های مقابله، مهارت‌های ارتباطی و باورهای مذهبی (عوامل فرایندی خانواده). *رویش روان‌شناسی*، ۵(۴)، ۴۶-۲۷.
- شکر الله زاده، م.، و مدنی، ی. (۱۳۹۵). نقش سبک‌های هویتی و عشق ورزی در پیش‌بینی رضایت زناشویی. *آسیب‌شناسی مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۱(۱۲)، ۸۹-۷۹.
- شولتز، د.؛ شولتز، س. (۲۰۱۲). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی، ۱۳۹۷. تهران: ویرایش.
- غضنفری، ا. (۱۳۸۳). اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت (ISI - G6). *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۵(۱)، ۸۱-۹۴.
- کریمی‌ان، ن.، حیدری، ح.، و سالاری، س. (۱۳۹۳). تبیین تعهد زناشویی زنان و مردان متأهل بر اساس سبک‌های هویتی و ترس از صمیمیت. *خانواده پژوهی*، ۱(۱۱)، ۸۱-۶۵.
- ماسن، پ.؛ کیگان، ج.؛ هوستون، آ.؛ کانجر، ج. (۱۹۹۰). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی، ۱۳۹۴. تهران: کتاب‌ماد.
- مسیح آبادی، م.، سعیدی راد، م.، موسوی، س.، و وقاری، ع. (۱۳۹۳). ارتباط مهارت حل مسأله و رضایت زناشویی. *اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی*، قم، انجمن علمی پدافند غیرعامل ایران، شرکت پنام خط نوین. [https://www.civillca.com/Paper-CONFIR01-CONFIR01\\_013.html](https://www.civillca.com/Paper-CONFIR01-CONFIR01_013.html)
- مراد ثمرین، آ. (۱۳۹۲). مقایسه رابطه ترس از صمیمیت و ادراک ریسک با مهارت‌های حل مسأله و سبک‌های تصمیم‌گیری در بین زوج‌های موفق و ناموفق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشگاه پیام نور استان تهران. مرکز پیام نور تهران.
- ناظمی، ف.، و صفاری نیا، م. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط سبک‌های تصمیم‌گیری و ادراک ریسک با رفتارهای کارآفرینانه در بین مدیران فرهنگی. *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۴(۴)، ۸۹-۱۱۷.
- Årseth, A. K., Kroger, J., Martinussen, M., & Marcia, J. E. (2009). Meta-analytic studies of identity status and the relational issues of attachment and intimacy. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 9(1), 1-32.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity Style and Well-being: Does Commitment Matter? *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.
- Berzonsky, M. D. (2003). Cognitive Processes and Identity Formation: The Mediating Role of Identity Processing Style. *Psychologia Rozwojowa*, 15(4), 13-27.
- Berzonsky, M. D. (1993). Identity style, gender, and social cognitive reasoning. *Journal of Adolescent Research*, 8, 289-296.
- Berzonsky, M. D. (1992). *Identity Style Inventory (ISI3)*. Unpublished Manuscript, State University of New York, Cortland.
- Bouchard, G., Lussier, Y., & Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of the five-factor model of personality. *Journal of Marriage and the Family*, 6, 651-660.
- Cherisse L. Seaton & Sherry L. Beaumont (2011). The Link Between Identity Style and Intimacy: Does Emotional Intelligence Provide the Key?. *Identity*, 11(4), 311-332.
- Colwill, R. M. (2017) Avoidance. In: Vonk J., Shackelford T. (eds) *Encyclopedia of Animal Cognition and Behavior*. Springer, Cham.
- Côté, J. E. (2009). Identity formation and self-development in adolescence. In R. M. Lerner & L. Steinberg (Eds.), *Handbook of adolescent psychology: Individual bases of adolescent development* (pp. 266-304). Hoboken, NJ, US: John Wiley & Sons Inc.
- Erikson, E. H. (1950). *Childhood and society*. New York, NY: Norton.

- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York, NY: Norton.
- Field, T. (2011). Romantic Breakups, Heartbreak and Bereavement. *Psychology, 2(4)*, 382-387.
- Fowers, B.J., Montel, K.H., & Olson, D.H. (1996). Predicting marital success for premarital couple types based on PREPARE. *Journal of Marital and Family Therapy, 22*, 103-119.
- Garima, J. (2012). *The Relationship between Identity and Intimacy as Moderated by Culture*. Master Thesis. University of Central Florida.
- Geisler, M., & Allwood, C. M. (2018). Relating Decision-Making Styles to Social Orientation and Time Approach. *Journal of behavioral decision making, 31(3)*, 415-429.
- Gilbert, S. P., & Sifers, S. K. (2011). Bouncing Back from a Breakup: Attachment, Time Perspective, Mental Health, and Romantic Loss. *Journal of College Student Psychotherapy, 25(4)*, 295-310.
- Glöckner, A., & Witteman, C. (2010). Beyond dual-process models: A categorization of processes underlying intuitive judgement and decision making. *Thinking & Reasoning, 16(1)*, 1-25.
- Grunig, R., & Kuhn, R. (2013). *Rational Decision-making*. Successful Decision-making. Springer.
- Hawley, A. R., Mahoney, A., Pargament, K. I., & Gordon, A. K. (2015). Sexuality and spirituality as predictors of distress over a romantic breakup: Mediated and moderated pathways. *Spirituality in Clinical Practice, 2(2)*, 145-159.
- Jekel, M., Glöckner, A., Fiedler, S., & Bröder, A. (2012). The rationality of different kinds of intuitive decision processes. *Synthese, 189*, 147-160.
- Joel, S., MacDonald, G., & Plaks, J. E. (2013). Romantic relationships conceptualized as a judgment and decision-making domain. *Current Directions in Psychological Science, 22(6)*, 461-465.
- Johnson, M. D., Cohan, C. L., Davila, J., Lawrence, E., Rogge, R. D., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2005). Problem-Solving Skills and Affective Expressions as Predictors of Change in Marital Satisfaction. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 73(1)*, 15-27.
- Kerpelman, J.L., Pittman, J.F., Cadely, H.S., Tuggle, F.J., Harrell-Levy, M.K., & Adler-Baeder, F.M. (2012). Identity and intimacy during adolescence: connections among identity styles, romantic attachment and identity commitment. *Journal of adolescence, 35 (6)*, 1427-39.
- Klimstra, T. A., & van Doeselaar, L. (2017). Identity formation in adolescence and young adulthood. In J. Specht (Ed.), *Personality development across the lifespan* (pp. 293-308). San Diego, CA, US: Elsevier Academic Press.
- Knöpfli, B., Cullati, S., Courvoisier, D.S., Burton-Jeangros, C., & Perrig-Chiello, P. (2015). Marital breakup in later adulthood and self-rated health: a cross-sectional survey in Switzerland. *International Journal of Public Health, 61*, 357-366.
- Kurdek, L.A. (1993). Predicting marital dissolution: A 5-year prospective longitudinal study of newlywed couples. *Journal of Personality and Social Psychology, 64*, 221-242.
- Laughland-Booy, J., Skrbis, Z., & Newcombe, P. (2018). Identity and intimacy: A longitudinal qualitative study of young Australians. *Journal of Adolescent Research, 33(6)*, 725-751.
- Levesque R. J. R. (2018). Identity Formation. In: Levesque R.J.R. (eds) *Encyclopedia of Adolescence*. Springer, Cham.
- Leykin, Y., & DeRubeis, R. J. (2010). Decision making styles and depressive symptomatology: Development of the Decision Styles Questionnaire. *Judgment and Decision Making, 5(7)*, 506-515.
- Maher, Hemali & Winston, Christine & Rani S., Usha. (2017). What it feels like to be me: Linking emotional intelligence, identity, and intimacy. *Journal of Adolescence, 56*, 162-165.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of Personality and Social Psychology, 3*, 551-558.
- Markstrom, C.A., & Kalmanir, H.M. (2001). Linkages between the Psychosocial Stages of Identity and Intimacy and the Ego Strengths of Fidelity and Love. *Identity, 1(2)*, 179-196.
- Maslow, A. H. (1943). A theory of human motivation. *Psychological Review, 50*, 370-396.
- Mata, A., & Almeida, T. (2014). Using metacognitive cues to infer others' thinking. *Judgment and Decision Making, 9(4)*, 349-359
- Mata R. (2016). Decision Making. In: Pachana N. (eds) *Encyclopedia of Geropsychology*. Springer, Singapore.
- Matzler, K., Bailom, F., & Mooradian, T.A. (2007). Intuitive decision making. *MIT Sloan Management Review, 49(1)*, 13-21.
- McCarthy, G. Maughan, B. (2010). Negative childhood experiences and adult love relationships: The role of internal working models of attachment. *Attachment & Human Development, 12(5)*, 445-461.
- Owen, J., Rhoades, G. K., & Stanley, S. M. (2013). Sliding versus Deciding in Relationships: Associations with Relationship Quality, Commitment, and Infidelity. *Journal of couple & relationship therapy, 12(2)*, 135-149.
- Owen, J. (2011). Changes in attitudes about dating: Sliding versus deciding. *Archives of Sexual Behavior, 40(2)*, 311-20.
- Parker, A. M., Bruine de Bruin, W., & Fischhoff, B. (2007). Maximizers versus Satisfiers: Decision-making styles, competence and outcomes. *Judgment and Decision-making, 2(6)*, 342-50.
- Parsons, R. N., Nalbone, D. P., Killmer, J. M., & Wetchler, J. L. (2007). Indentity development, differentiation, personal authority, and degree of religiosity as predictors in interfaith marital satisfaction. *American Journal of Family Therapy, 35(4)*, 343-361.
- Pinkus R. T. (2017). Love and Belongingness Needs. In: Zeigler-Hill V., Shackelford T. (eds) *Encyclopedia of Personality and Individual Differences*. Springer, Cham.

## The Comparison of Decision Making and Identification Styles in Students with and without Experience ...

- Pittman, J. F., Keiley, M. K., Kerpelman, J. L., & Vaughn, B. E. (2011). Attachment, identity, and intimacy: parallels between Bowlby's and Erikson's paradigms. *Journal of Family Theory and Review*, 3, 32-46.
- Ratto, N. (2007). *The role of attachment style with mother and father in adolescents' ways of coping with a romantic break up*. Thesis of Master of Psychology. Concordia University Montreal, Quebec, Canada.
- Rhoades, G. K., Kamp Dush, C. M., Atkins, D. C., Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2011). Breaking up is hard to do: the impact of unmarried relationship dissolution on mental health and life satisfaction. *Journal of family psychology: JFP: journal of the Division of Family Psychology of the American Psychological Association (Division 43)*, 25(3), 366-374.
- Rosse, R. B. (1999). *The love trauma syndrome: Free yourself from the pain of a broken heart*. Cambridge, Massachusetts: Published by Perseus Publishing, a member of the Perseus Books Group.
- Sari, E. (2008). The Relations between Decision Making in Social Relationships and Decision-Making Styles. *World Applied Sciences Journal*, 3(3), 369-381.
- Salvatore C. (2018). Emerging Adulthood: A Time of Instability, Exploration, and Change. In: *Sex, Crime, Drugs, and Just Plain Stupid Behaviors*. Palgrave Macmillan, Cham.
- Sbarra, D. A. (2006). Predicting the onset of emotional recovery following nonmarital relationship dissolution: Survival analyses of sadness and anger. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32 (3), 298-312.
- Schermer, J. A., Saklofske, D. H. (2020) Personality and Individual Differences. In: Zeigler-Hill V., Shackelford T.K. (eds) *Encyclopedia of Personality and Individual Differences*. Springer, Cham.
- Schmitt, D. P., Youn, G., Bond, B., Brooks, S., Frye, H., Johnson, S., Klesman, J., Peplinski, C., Sampias, J., Sherrill, M. & Stoka, C. (2009). When will I feel love? The effects of culture, personality, and gender on the psychological tendency to love. *Journal of Research in Personality*, 43, 830-846.
- Scott, S.G., & Bruce, R.A. (1995). Decision-making style: The development and assessment of a new measure. *Educational and psychological measurement*, 55(5), 818-31.
- Wängqvist, M., Carlsson, J., van der Lee, M., & Frisén, A. (2016). Identity Development and Romantic Relationships in the Late Twenties. *Identity*, 16(1), 24-44.
- White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K. I. (1998). The Identity Style Inventory: A Revision with a Sixth-Grade Reading Level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 13(2), 223-245.
- Wood, N. L. (2012). *Individual differences in decision-making styles as predictors of good decision making*. Master's thesis, College of Bowling Green State University, Ohio. Retrieved from [https://etd.ohiolink.edu/rws\\_etd/document/get/bgsu1326823601/online](https://etd.ohiolink.edu/rws_etd/document/get/bgsu1326823601/online).